بررسی متن یکی از شاگردان

در اینجا عباراتی داشتیم. به من دو مطلب داده بودند. امروز سریع اینها را مرور می‌کنیم و به اندازه‌ای که ذهن قاصر من هم هست، در مطالبشان تأمل می‌کنیم. ذیل جمع بین روایات یوم الشک فرمایشی[1] داشتند که من بخشی از آن را خواندم. در مقدمه اول فرمودند یک یوم الشک کلی داریم که احکامی دارد. حکم طبیعی یوم الشک چنین است. یکی هم مربوط به فردای امروز که یوم الشک است، می‌باشد. حالا باید چه کار کنیم؟ یعنی یوم الشک به‌عنوان فردی از یوم الشک است که زمان خاص و روز معین می‌باشد. و یک یوم الشک هم به‌معنای کلیای است که سیام ماه شعبان تکرار می‌شود. این مقدمه اول است.

مقدمه دوم؛ مقوّم احکامی که در مقام مدیریت امتثال صادر می‌شوند، این است که حتما مربوط به تنظیم عمل مکلف باشند. این را هم خواندیم و توضیحاتی را عرض کردم و سؤالاتی را مطرح کردم که بعداً ایشان برای آن یک تکمیلی فرمودند. عبارت تکمیلی مربوط به مقدمه دوم این است: در انشاء احکام ثبوتی، طولیت متصور است. مثال‌هایی هم برای نماز زدند. در صفحه یوم الشک هست. اگر مراجعه نکردید نگاه کنید. در ادامه می‌فرمایند: «اما احکام صادره در مقام مدیریت امتثال هم اقسام مختلفی دارد که به نظر می‌رسد نیاز است عنوانی برای آن در نظر گرفته شود که جامع این موارد باشد»؛ ایشان می‌فرمایند مدیریت امتثال، لفظ کمی است. گویا رهزن است. چطور؟ سه جور می‌باشد؛

---

[1] فدکیه: بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه اول

وقتی «یوم الشک» موضوع (متعلق المتعلق) حکم، قرار می گیرد باید دقت کرد که کدام یک از دو هویت «یوم الشک» مد نظر است؛

گاهی می گوییم یوم الشک و منظور «طبیعت» یوم الشک است که افراد متعدد از قبیل یوم الشک امسال و پارسال و...دارد.

گاهی می گوییم یوم الشک و منظور فردی از یوم الشک است که «هویت شخصی» دارد یعنی زمان و تاریخ آن دقیقا معلوم است. مثل یوم الشک امسال.

مقدمه دوم

مقوّم احکامی که در مقام مدیریت امتثال صادر می شوند، این است که حتما مربوط به تنظیم عمل مکلف باشند. ولی این ارتباط با عمل، تشکیکی و دارای مراتب است. یعنی گاهی مدیریت مقام امتثال پیچیدگی هایی دارد که معتبر باید در چند مرحله به مدیریت بپردازد. این مراحل همه مرتبط به مقام عمل مکلف هستند ولی برخی مراحل به گونه ای هستند که نقش مقدمه و زیر سازی برای مدیریت نهایی مقام امتثال را دارند و برخی دیگر ارتباط مستقیم با عمل دارند و مستقیما به مدیریت خارج می پردازند.

مقدمه سوم

احکامی که در مقام امتثال مدیریت صوم سوم الشک صادر می شوند حداقل در دو مرحله هستند؛
مرحله اول، مرحله ای است که نقش مدیریت حیثیات منطبق بر صوم سوم الشک را دارد. متعلق المتعلق در این احکام «طبیعت سوم الشک» است. از آن جا که خود طبیعت صوم سوم الشک مجمع عناوین متعدد است ابتدا باید اقتضائات این عناوین مدیریت شوند و اقتضائات مختلف بیان شود.
مرحله دوم مرحله مدیریت نهایی صوم سوم الشک است. متعلق المتعلق در این مرحله هویت شخصی سوم الشک است که مثلا در صوم سوم الشک امسال، با خروج گرفتن از کسر و انکسار حیثیات، باید تکلیف نهائی آن روشن شود. ممکن است فردی از صوم سوم الشک عناوین متعدد را با هم داشته باشد. در این جا هر چند می توان گفت: این فرد از صوم سوم الشک اقتضاء هر کدام از احکام خمسه را دارد ولی باید در مقام عمل مشخص شود که در تزاحم کدام مقدم است. بخلاف مقام اول که مقام مدیریت اقتضائات است و لازم نیست که خروجی بیان شود.
تطبیق در دو روایت مورد بحث
الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج4 ؛ ص81
عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ يَعْلَى عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ عَنِ الْكَاهِلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ- عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ مِنْ شَعْبَانَ قَالَ لَأَنْ أَصُومَ يَوْماً مِنْ شَعْبَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُفْطِرَ يَوْماً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.
من لا يحضره الفقيه ؛ ج2 ؛ ص126
لِأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: لَأَنْ أُفْطِرَ يَوْماً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَصُومَ يَوْماً مِنْ شَعْبَانَ لِأَنِّي أَخَافُ أَنْ أَزِيدَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ
در این دو روایت یکی جمع که روشن است این مطلب است که در روایت اول نیت خصوص شعبان یا رمضان را نمی کند بلکه یکی روز را روزه می گیرد که اگر واقعا شعبان بود روزه مستحبی شعبان حساب می شود و اگر ماه رمضان بود از آن محسوب می شود و منظور روایت اول از اصوم و افطر، هر دو واقعی است. اما در روایت دوم با توجه به ازدیاد منظور این است که شخص نیت رمضان کند. این جمع شواهد متعددی در روایات دارد.
اما اگر بخواهیم ازدیاد را در مقام عمل بدانیم؛ یک وجه جمع این است که روایت اول به حیثیت احراز واقع نظر داشته که اقتضای آن فعل صوم است و دومی به این مطلب نظر داشته است که هر چند شخص نیت نمی کند ولی کأن نمود خارجی فعل او (از این باب که در سوم الشک است)این می شود که دارد یک روز به ماه رمضان اضافه می کند که اقتضاء آن ترک صوم است.
حال صحبت در این است که اگر فرض بگیریم دو روایت در مجموع به مدیریت اقتضائات (مرحله اول از مدیریت در مقام امتثال) پرداخته است، می توان گفت هر یک از دو روایت به حیثیتی نظر دارد. لکن به نظر می رسد در روایت اول راوی به دنبال ضابطه ای است که تکلیف خودش را به صورت نهائی در مقام عمل روشن کند نه این که صرفا یکی از اقتضائات بیان شود. (که تازه بعد از دست یافتن به روایات دیگر، مرحله اول از مدیریت امتثال به صورت کامل صورت پذیرد).
البته احتمال دیگر این است که بگوییم امام حال کاهلی را نظر کرده است و این روایت در مقام مدیریت نهائی مقام عمل است که در این صورت اشکال قبل وارد نمی شود ولی این سوال پیش می آید که ظاهر سوال کاهلی این است که از طبیعت صوم سوم الشک دارد سوال می کند ولی امام از خصوص حال او(هویت شخصی صوم سوم الشک برای او) پاسخ می دهد و اگر کاهلی متوجه این امر نشده باشد ممکن است در سال دیگر که هویت شخصی سوم الشک او نهایتا بعد از کسر و انکسار اقتضائات، اقتضای ترک داشته باشد، به این روایت امام عمل کند و روزه بگیرد حال آن که خروجی نهائی حیثیاتش، ترک صوم باشد.
روایت دوم هم معلوم نیست که حضرت در چه بستری این حکم را صادر نمودند تا مقام ایشان فهم شود.
نکته: ممکن است گفته شود همین که اقتضائات مختلف بیان شود، کفایت می کند و در این جا نیاز نیست شارع کسر و انکسار نهائی کند بلکه به عهده خود مکلف است و این جا مثل صلاه و غصب نیست که خود شارع باید نهایتا مدیریت کند که از حیث مالاکات کدام مقدم است.
بنظر می رسد این مطلب هر چند در مقام تحلیل ممکن است صحیح باشد ولی بالاخره باید پاسخ این مطلب داده شود که ظاهر حال راوی این است که این بیان امام را به عنوان یک قاعده در نظر گرفته که میخواهد همیشه به آن عمل کند.
شاید بتوان این گونه پاسخ داد که در روایت کاهلی، امام در هر دو مرحله دارد به مدیریت امتثال می پردازد به این بیان که:

حال ِکاهلی در مورد روایت این گونه است که خروجی ناهئیش اقتضای همان احراز واقع را دارد. امام هم با بیان یکی از مهم ترین و شاید اصلی ترین اقتضائات مقام امتثال، علاوه بر این که حال فعلی کاهلی را به صورت ناهئی روشن کرده، به مدیریت اقتضائات(مرحله اول) هم پرداخته است تا با نظر به مجموع روایات، در طول زمان مدیریت مرحله اول به صورت کامل شکل بگیرد. اما این که در سال بعد ممکن است کاهلی به اشتباه بیفتد، وظیفه فعلی امام نیست که آن حالات را هم در نظر بگیرد مخصوصا این که جهتی که در این روایت بیان می شود، یکی از مهم ترین اقتضائات در مقام امتثال است که می توان به عنوان پایه در بحث سوم الشک بیان شود و اقتضائات دیگر در طول آن باشند.(که این بحث نیاز به تامل بیشتر دارد)
والسلام

بخش تکمیلی برای متن بالا:
بسم الله الرحمن الرحیم
در احکام ثبوتی نظر به طبیعت است که به صورت طولی اقتضاء طبائع مختلف در نظر گرفته می شود؛
مثلا در نماز چند مرحله انشاء ثبوتی داریم:
الف) اصل طبیعت نماز و طبیعت مکلف که در یک نگاه ساختاری حکم به مصلحت و وجوب طبیعت نماز بر مکلف می کنیم.
ب) تقسیم نماز در اوقات شبانه روز در طول مرحله قبل و حکم به قضاء به جهت همان امر اولی.
ج) وجوب چهار رکعتی برای حاضر و در طول آن وجوب دو رکعتی نماز مسافر.
د) در نظر گرفتن اصناف مختلف طبیعت مکلف مثلا برای حائض در طول اقتضای وجوب، حکم به حرمت می شود.
اما احکام صادره ر مقام مدیریت امتثال هم اقسام مختلفی دارد که به نظر می رسد نیاز است عنوانی برای آن در نظر گرفته شود که جامع این موارد باشد(مواردی که از انشائات ثبوتی نیستند)؛
الف) احکامی که برای تنظیم عمل مکلف در خارج صادر می شوند مثل احکام وارده در تعیین محدوده غسل وجه
ب) احکامی که برای اجرای صحیح احکام ثبوتی در خارج انشاء می شوند. مثلا می توان گفت در ادله لاضرر، شارع وظیفه دارد احکام ثبوتی را طوری تنظیم کند که منجر به ضرر نشود. در این جا به دنبال تنظیم عمل نیستیم(به نحوی که در غسل وجه بودیم) بلکه به دنبال این هستیم که احکام طوری در خارج اجرا شوند که مفسده ضرر لازم نیاید.
د) احکامی که به جهت مشکلی در مقام امتثال تزاحم کرده اند و نیاز به کسر و انکسار مالاکات دارد. بعید نیست بحث صل و لاتغصب را هم داخل در انشائات طولی احکام ثبوتی ندانیم بلکه به این جهت که در مقام امتثال مشکل ایجاد شده است و تعیین خروجی و کسر و انکسار نیاز به آگاهی از مالاکات دارد، خود شارع تعیینی خروجی را به عهده می گیرد.
اگر بپذیریم که این سه قسم از احکام ثبوتی نیستند، به نظر می رسد عنوان مدیریت امتثال کمی رهزن باشد. زیرا ظهور اولی مقام امتثال، این است که مکلف در مقام اتیان امری که گردن او را گرفته است، دچار مشکل شده است که منصرف به قسم اول است. حال آن که در قسم دوم و سوم، قبل از این که امر به صورت ناهئی به عهده مکلف بیاید، نیاز به مدیریت دارد.
عنوان پیشنهادی؛ « مدیریت اجرائی احکام ثبوتی». مدیریت اجرائی، بار معنایی امتثال را ندارد. بلکه اگر بخواهیم احکام ثبوتی را طوری تنظیم کنیم که در مقام اجرا، منجر به ضرر نشود، این هم نوعی مدیریت اجرائی است. چنانچه تعیین خروجی در صلاه و غصب هم متناسب با فضای اجرا است.
«مدیریت احکام ثبوتی در خارج»؛ خارج به نوعی اشاره به خروج از مقام طبائع و انشاء احکام ثبوتی می تواند باشد.

بازبینی #1
ایجاد شده 20 مه 2026 13:37:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 مه 2026 13:47:26 توسط ... .